

## تأملی بر تحریف ناپذیری قرآن کریم

خداداد محمدی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> محصل ارشد حقوق خصوصی مؤسسه علوم انسانی جامعه المصطفی.

نویسنده مسئول:

خداداد محمدی

### چکیده

بحث از تحریف قرآن یکی از بحثهای مهم و بنیادی بوده که اعتبار قرآن کریم و درستی استناد به آن، بستگی به مصونیت قرآن کریم از تحریف دارد. تحریف معانی متعددی شده است و در یک تقسیم‌بندی کلی تحریف، به لفظی و معنوی تقسیم شده است لفظی به نوبه‌ای خود دارای اقسامی هستند؛ بعضی از اقسام آن مانند تحریف معنوی، تحریف در قرائت، تحریف در نگارش، تحریف موضوعی در صورت اثبات آن‌ها، به اصل قرآن کریم و قابل استناد بودن آن صدمه وارد نمی‌شود. تحریف به زیاده هم به اجماع مسلمین باطل و می‌توان گفت؛ اصلاً قائلی ندارد اما تحریفی که مورد نزاع است، تحریف به نقیصه است. یعنی این که سوره یا آیه یا کلمه‌ای از قرآن کریم حذف شده باشد. مقاله حاضر که به شکل توصیفی و کتابخانه‌ای نوشته شده، ضمن اشاره به عوامل توهم تحریف قرآن کریم، مصونیت قرآن را از تحریف بررسی کرده و به دستهای از ادله عقلی و نقلی استناد کرده است.

**واژگان کلیدی:** تحریف قرآن، انواع تحریف، عدم تحریف، دلایل عدم تحریف.

## ۱. مقدمه

قرآن کریم، یگانه کتاب آسمانی تحریف نشده و معجزه جاودانه نبی مکرم اسلام (ص) است، قرآن مشعل هدایتی است که هرگز خاموش نمی‌شود، چشمه جوشانی که هرگز خشک نمی‌گردد. دریای بی‌کرانی که به عمقش نمی‌توان رسید، سفره گسترده‌ای که هر کس به اندازه ظرفیتش و به میزان تشنگی‌اش از آن بهره می‌گیرد، کتاب جاودانی که پا به پای زمان جریان دارد. شگفتی‌های آن هرگز تمام‌شدنی نیست و نوآوری‌های آن تا ابد کهنه نمی‌گردد و تا روز قیامت، کلامی تازه داشته و نزد هر فرد، زنده خواهد بود و آهنگ و نغمه‌های فرح بخش آن در هر زمان، سخن تازه‌ای دارد و تشنگان را سیراب می‌نماید. دارویی که هیچ دردی با او باقی نمی‌ماند. نوری که هیچ ظلمتی با او جمع نمی‌شود. هر اثر، نموداری دارایی مؤثر خود است. همان طور که حق تعالی وجود مطلق غیرمتناهی است، کتاب او هم خارج از احصاء است. در عظمت قرآن کریم همین بس که کلامی است از خداوند بزرگ و تراوشی از علم بی‌انتهای او که هرگز پنجه محدود فکر بشر نمی‌تواند به همه اسرار و گنجینه‌های نهفته در آن دست پیدا کند. قرآن کریم، اقیانوس ژرفی است که با هر چه بررسی و تحقیق بیش‌تر، رموز و اسرار آن متجلی‌تر می‌گردد.

با این همه در طول تاریخ، آن گونه که شایسته این کتاب الهی بوده به آن پرداخته نشده و گنجینه‌های گران بهایش گشوده مانده. از طرف دیگر، دشمنان اسلام همواره دسیسه و توطئه و اهانت‌هایی بر ساحت قرآن کریم روا داشته‌اند. یکی از توطئه‌هایی که، فرقه وهابیت از همه بیش‌تر به آن دامن می‌زند و در هر کتب و نشریه‌های شان از آن نام می‌برد نسبت دادن تحریف قرآن کریم به تشیع است. لذا در این مقاله بر آنم که: ابتدا معانی تحریف و اقسام آنرا بیان نموده و تحریف مورد نزاع را مشخص و سپس دلایل طرف داران عدم تحریف قرآن کریم را ذکر نمایم.

## ۲. معنا و مفهوم تحریف

تحریف، مصدر باب تفعیل از ریشه حرف است و حرف در لغت به معنی طرف، لبه و کناره یک چیز را می‌گویند. در تبیین معنای لغوی حرف چنین گفته است: «حرف کل شیء طرفه و سفیره و جانبه» (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۵) و در قرآن کریم نیز کلمه حرف به همین معنی لغوی استعمال شده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ» حج/۱۱. از مردم، که خداوند را در طرف و گوشه‌ای [حاشیه یا مصلحت‌جویانه] عبادت می‌کنند یعنی درحقیقت بندگی نیستند، لذا با خیری، مطمئن و با امتحانی، روگردان می‌شوند... و به تعبیر "زمخشری"؛ این‌ها همانند کسانی هستند که در گوشه و کنار لشگر هستند، تا بعضی اگر احساس پیروزی کنند، اطمینان خاطر پیدا می‌کنند و در غیر این صورت، فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند. غالب لغویان حرف را به معنی گوشه و کناره دانسته‌اند (فیومی، ۱۴۱۴:).

بنابراین واژه تحریف با توجه به معنای باب تفعیل، به معنی منحرف کردن و دگرگون ساختن است. تحریف الکلام یعنی ایجاد نوعی دگرگونی و انحراف در آن، به این معنی که با تغییر و جابه‌جایی کردن کلمات و جملات یا تفسیر نادرست، تحریف در کلام و گفتار ایجاد می‌شود.

پس گاهی الفاظ را جابه‌جا می‌کنند که تغییر مفهوم را به همراه دارد و زمانی معنا و مفهوم آن کلام را از بستر صحیح آن خارج می‌سازند.

## ۳. اقسام تحریف

در یک تقسیم‌بندی کلی تحریف را می‌توان به معنوی و لفظی تقسیم نمود که ذیلاً بیان می‌شود.

### ۴.۱. تحریف معنوی

در تحریف معنوی، تحریف‌کننده بدون کم‌ترین دخل و تصرف در ساختار الفاظ، برداشت انحرافی و تفسیر و توجیه کلام بر خلاف مقصود صاحب کلام می‌کند و تحریف معنوی در حقیقت همان تفسیر و تأویل به رأی است. وقوع این نوع تحریف را کسی انکار نمی‌کند. چون که هر کسی که قرآن کریم را به غیر حقیقتش تفسیر کند و آن را به غیر معنای آن حمل کند، در واقع تحریف کرده است.

قرآن کریم از وقوع این نوع تحریف در کتاب‌های آسمانی گذشته، با تعبیری یاد کرده است  
«يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» نساء/۴۶، «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ» مائده/۴۱ و «يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ» بقره/۷۵.

افراد زیادی از اهل بدعت و مذاهب فاسد، قرآن کریم را بر آراء و امیال خود تحریف نموده‌اند. روایات زیادی در مذمت آن‌ها نیز نقل شده است. پیامبر خدا (ص) در مذمت تفسیر به رأی فرمودند: «من فسر القرآن کریم برایه فلیتبا مقعده من النار»: هر کسی که قرآن کریم را به رأی خود تفسیر کند، می‌بایست خود را برای آتش مهیا سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۹).

حضرت علی(ع) در خطبه ۱۷ نهج البلاغه از وقوع چنین تحریفی به خدا شکوه بردند؛ «الی الله اشکو من معشر یعیشون جهالاً و یموتون ضلالاً لیس فیهم سلعة ابور من الکتاب اذا تلی حق تلاوته و لا سلعة انفق بیعاً ولا اغلی ثمناً من الکتاب اذا حرف عن موضعه»: به خدا شکایت می‌برم از گروهی که با جهالت زندگی می‌کنند و با گمراهی می‌میرند. در میان آنان کالایی بی ارزش تر از قرآن نیست آن‌گاه که به شیوه صحیح معنا شود، و هیچ کالایی پر رونق تر و گران بها تر از قرآن نیست زمانی که بر اساس هوا و هوس معنی شود، تحریف معنوی و تفسیر به رأی، علی رغم مذموم بودن، اما به اعتبار و حجیت قرآن کریم صدمه‌ای وارد نمی‌کند چون امری بیرون از هویت قرآن کریم است که تحریف‌کننده می‌خواهد نگرش خود را بر قرآن کریم تحمیل کند و کم‌ترین دخل و تصرفی در ساختار الفاظ و عبارات‌های قرآن کریم انجام نمی‌پذیرد.

#### ۴.۲. تحریف لفظی

تحریف لفظی به چند صورت متصور است: تحریف در قرائت، تحریف در نگارش، تحریف به فزونی و تحریف به کاستی.

##### ۴.۲.۱. تحریف در قرائت

در نحوه قرائت بعضی از آیات، اختلاف وجود دارد که قرائت قرآن سبعة از این باب است و این اختلاف بواسطه خدا و رسول (ص) صورت نگرفته بلکه از طرف مسلمانان بوجود آمده است و به اصل قرآن کریم و حجیت و اتقان آن، صدمه وارد نمی‌کند.

##### ۴.۲.۲. تحریف در نگارش

نوع دیگر تحریف لفظی، دگرگون نمودن ترتیب نزول آیات و سوره‌های قرآن کریم در نگارش از لحاظ تقدم و تأخیر است، یعنی آیا آیات و سوره قرآن کریم موجود، بر طبق ترتیب نزول، تنظیم شده است؟ که این بحث از تحریف هم از مورد نزاع خارج است و بر فرض وجود هیچ صدمه‌ای به حجیت قرآن کریم وارد نمی‌کند.

##### ۴.۲.۳. تحریف لفظی به فزونی

یعنی آیا آیه یا سوره‌ای بر قرآن کریم افزوده شده است؟ عالمان شیعه و سنی اتفاق نظر دارند، چنین چیزی تحقق نیافت و تأملی هم ندارد و با اعجاز قرآن کریم و آیات تحدی هم سازگاری ندارد.

##### ۴.۲.۴. تحریف لفظی به کاستی

مراد از این نوع تحریف این است که برخی از کلمات، آیات و سوره حذف شده و گم گردیده است، این همان تحریف محل نزاع و مصطلح است که محققان از علما شیعه و اهل سنت با ادله عقلی و نقلی و شواهد تاریخی به اثبات صیانت قرآن کریم از این نوع تحریف پرداخته‌اند و گروهی اندک از هر دو طایفه از اخباریون، قائل به این نوع از تحریف شده‌اند که دست آویزی برای پاره‌ای از مستشرقان نیز شده است. نکته: قسمی دیگری برای تحریف نیز بیان شده که آن تحریف موضوعی است تحریف موضوعی یعنی اینکه ترتیب سوره‌ها و آیات قرآن مطابق ترتیب نزول نیست در مواردی ترتیب فعلی با ترتیب نزول تفاوت دارد (طاهری خرم آبادی، ۱۳۸۵: ۵۷) از آن‌جای که این قسم از تحریف را تمام فرقه‌های اسلامی پذیرفته و کاملاً یک امر روشن و قطعی است اما چنین تحریفی هیچ صدمه بر اصالت قرآن وارد نمی‌کند.

## ۵. عوامل توهم تحریف قرآن کریم

برای تحریف قرآن کریم علل و عواملی زیادی می‌توان بر شمرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: آمیختگی حدیث پیامبر(ص) با آیات قرآن کریم، آمیختگی نص و تفسیر: یعنی توضیح و تفسیر و یا شأن نزول و تعیین مصادیق آیه با خود آیات مخلوط شده و شنونده و خواننده به جهت عدم آگاهی، برداشت ناصوابی کرده و قائل به تحریف شده، وجود احادیث جعلی: دسته‌ای از احادیث که ظهور در تحریف قرآن کریم دارد، تعدد قرائت‌ها، مصحف حضرت علی(ع)، مصحف حضرت زهرا(س) و عداوت معاندان اسلام و قرآن، می‌باشد.

## ۶. دلایل قایلین به عدم تحریف

قرآن کریم از زمان نزول تاکنون نه مفقود شده و نه بر آن مطلبی افزوده شده است بلکه هم‌زمان با نزول همواره بین مسلمانان نوشته و حفظ می‌شده و با تواتر قطعی بی‌نظیری، نسل به نسل قرائت و نوشته شده و به دست ما رسیده و این از مسلمات تاریخ و مورد اتفاق و قبول مسلمانان بلکه دانش‌مندان غیرمسلمان است.

در میان علما و محققین شیعه و سنی مشهور و معروف است که هیچ‌گونه تحریفی در قرآن کریم رخ نداده و قرآنی که در دست ماست، همان قرآنی است که بر پیامبر(ص) نازل شده و حتی کلمه و یا حرفی از آن، کم و زیاد نگردیده است اینکه، تعدادی خیلی اندک از علماء قایل به تحریف قرآن کریم شده است در حد یک ادعا است و هیچ‌گونه دلیل متقن و قابل قبولی ندارد. از آنجای که تحقیق حاضر در پی بررسی نظریات طرف داران عدم تحریف است اشاره می‌کنیم به دلایل طرف داران این نظریه.

### ۶.۱. دلایل عقلی

خداوند حکیم برای هدایت بشر، قرآن کریم را نازل کرده است و با توجه به خاتمیت دین و نبوت، اگر قرآن کریم که اساس دین و نبوت است مورد تحریف واقع شود، بر اساس خاتمیت، پیامبر دیگری که راه درست را برای مردم نشان دهد، نخواهد آمد و در نتیجه مردم گمراه خواهند شد بدون آنکه در این گمراهی تقصیری متوجه آنان باشد بلکه این ضلالت و گمراهی مستند به عدم حفظ الهی می‌شود بدین معنا که پروردگار عالم مقصر بوده و دچار بی‌برنامگی در آفرینش شده است و این امر با ساحت اقدس خدای حکیم سازگاری نداشته و مخالف با حکمت الهی است.

قاعده لطف اقتضاء می‌کند که طبق حکمت الهی بر خداوند(ج) لازم است آنچه که باعث تقرب و بُعد از معصیت می‌شود را فراهم کند با توجه به این که اسلام دین جاودانه و ابدی بوده و قرآن کریم هم عماد اسلام و سند باقی است، لذا قرآن کریم باید به عنوان حجت در طول نسل‌ها باقی بماند و از هرگونه تعرض معاندین و جاهلین محافظت شود و الا نقض غرض لازم می‌آید.

کتابی که اولین و مهم‌ترین مرجع مسلمین در زندگی دینی و سیاسی و اجتماعی بوده و اساس دین اسلام و منبع اصیل برای امهات مسائل، اعم از فروع و اصول است و همه مواظبت بر حفظ و نگهداری آن دارند، چگونه ممکن است مورد تحریف واقع شود لذا نقل و حفظ کتابی که از روز اول مورد عنایت ویژه و امر مقدس بین مسلمین بوده، به مراتب بیش‌تر از رعایت به حفظ کتاب سیبویه و امثال آن است و علم به صحت و مصونیت قرآن کریم به مراتب بیش‌تر از علم به شهرها و حوادث بزرگ و وقایع مهم و کتب مشهور است که عنایت زیادی به حفظ و حراست آن‌ها داشتند پس قرآن باید به طریق اولی محفوظ و مصون از هرگونه تغییر و تحریف باشد.

### ۶.۲. دلایل نقلی

#### ۶.۲.۱. آیات

(۱) آیه حفظ: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر/۹): ما قرآن کریم را نازل کردیم و خودمان نگهبان و حافظ آن هستیم. این آیه شریفه متضمن بقاء قرآن کریم و سلامت آن از هرگونه دخل و تصرف در طول تاریخ می‌باشد و ضمانت الهی هم «لا یختلف و لا یختلف» است چون که: «إِنَّ اللَّهَ لَا یُخْلِیفُ الْمِیْعَادَ» آل عمران/۹: همانا خداوند خلف وعده نمی‌کند.

علامه طباطبایی(ره) در توضیح این آیه شریفه می‌گویند: «قرآن کریم، ذکر زنده و جاودانه است. از هرگونه فراموشی، نقص و زیادتى مصون است. پس این آیه دلالت می‌کند که کتاب خدا از تمام انواع تحریف مصون و محفوظ است و بعد از نزولش تا ابد حفظ و نگهداری می‌شود» (طباطبای، بی‌تا: ۱۰۳/۱۲)

"زمخشری" از مفسرین اهل سنت در تفسیر این آیه شریفه می‌گوید: «خداوند متعال حافظ و نگهدار قرآن از هر گونه زیاده و نقصان، تغییر و تبدیل است و این اهتمام بر حفظ و نگهداری، دلیل بر آن است که قرآن همواره به عنوان ذکر و آیه و نشانه‌بودن، باقی خواهد ماند». توضیح آیه: این آیه از دو جمله ترکیب شده است؛ در جمله اول "إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ" با دو تأکید آنّا و نحن و با به‌کارگیری ضمیر جمع، جای مفرد به صورت مسلم و قطعی خبر می‌دهد که قرآن کریم از سوی خداوند(ج) است. با این تأکید و ضمیر جمع، هم عظمت قرآن کریم و نزول آن را تأیید و هم دخالت هر نیروی دیگری را نفی و دلالت بر مصونیت قرآن کریم در هنگام نزول و انتساب آن به خداوند(ج) را تأکید می‌کند(مصباح یزدی، ۳۸۸: ۳۲۴). جمله دوم "إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ" هم با ادات تأکید «نَ» و لام لحافظون» و با به‌کارگیری صیغه جمع «لحافظون» حفظ قطعی و مسلم قرآن کریم را پس از نزول بیان می‌کند و از آن‌جا که حفظ و مصونیت قرآن کریم به صورت مطلق ذکر شده، لذا قرآن کریم به صورت مطلق در همه زمان‌ها از هرگونه تحریف، مورد حفاظت خداوند(ج) خواهد بود و هیچ نوع حفظ، مهم‌تر از حفظ از تحریف نیست.

پس خداوند در این آیه شریفه به پیامبر(ص) و همه مؤمنین اطمینان می‌دهد که این قرآن بدون پشتوانه نیست تا کسی یا کسانی بخواهند نورش را خاموش کنند. اگر همه جباران و ستم‌گران و اندیش‌مندان منحرف جهان، دست به دست هم داده بخواهند به آن ضربه بزنند، توانایی نخواهند داشت چرا که خداوند حفظ و پاسداری آنرا ضمانت کرده است. باید خاطر نشان نماییم که این آیه دال بر حفظ قرآن مجید، به عنوان سخن و پیام الهی است، و حفظ کل قرآن مد نظر است نه آیات نازل شده تا زمان نزول آیه مورد بررسی (نوری طبرسی، ۱۲۹۸: ۳۷۰).

۲) آیه عزت: «...وَ أَنَّهُ لِكِتَابٍ عَزِيزٌ - لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» فصلت/۴۱ و ۴۲: ...و قطعاً قرآن کتابی شکست‌ناپذیر (عزیز) است - باطل به هیچ‌وجه و از هیچ‌سو به آن رو نمی‌آورد چرا که از سوی خداوند حکیم و ستوده نازل شده است. در این آیه شریفه، دو صفت برای قرآن کریم به کار رفته است که دلالت بر مصونیت قرآن کریم از تحریف دارد

۱) صفت عزیز از ماده عزت که واژه عزت از ارض عزا (زمین سخت) گرفته شده است. همانگونه که در زمین سخت آب نمی‌تواند نفوذ کند در قرآن کریم هم تحریف و تغییر نمی‌تواند راه یابد قرآن عزیز است یعنی: شکست نا پذیر و نفوذ نا پذیر است. صفت عزیز داری مصدق فراوان است، برای پادشاهان استعمال می‌شود به جهت شکست نا پذیری آن‌ها برای اشیای کمیاب به جهت دشواری دست یابی به آن‌ها... (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۳۳۰)

۲) صفت باطل به معنی تباه‌شونده و تباه‌کننده است و به هر چیزی که به تباهی می‌انجامد یا امر دیگری را به تباهی می‌کشانند، اطلاق می‌شود از این‌رو چیزهای فاسدشونده و مطالب نادرست و امور بی‌ثبات را باطل می‌نامند و جمله "... مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ ..." دلالت دارد که هنگام نزول آیات و پس از نزول، به هیچ وجه و از هیچ جهت، باطل در آن راه ندارد.

از صفت دوم هم مصونیت قرآن کریم از تحریف به خوبی استفاده می‌شود، چون که با توجه به اعجاز و حق بودن قرآن کریم، هرگونه تغییری که اعجاز و معارف آن‌را دگرگون سازد، مصداق تباه‌شونده و تباه‌کننده است. که راه یافتن آن به قرآن در این جمله به‌طور کلی در هر زمان و از هر جهت، منتفی دانسته شده است(مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۳۳۰).

جمله پایانی این آیه شریفه؛ "... تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ..." اشاره به این نکته دارد که مصونیت قرآن کریم از تحریف، به خاطر این است که قرآن کریم از سوی خداوند حکیم و حمید نازل شده است لذا حکمتش اقتضاء دارد که ضمانت حفظ و حراست از قرآن را بدهد و حمید است چون که خلف وعده نمی‌کند.

۳) آیات تحدی: بعضی از علماء، بزرگ‌ترین دلیل بر نفی تحریف را، اعجاز قرآن کریم قلمداد کرده‌اند با توجه به اینکه آیات تحدی دلالت دارد که هیچ‌کس نمی‌تواند همانند هیچ یک از سوره قرآن کریم بیاورد لذا اگر کسی ادعای زیاده در قرآن کریم بدهد، این ادعا باطل است. چون که معنایش این است که افراد عادی می‌توانند مثل قرآن کریم بیاورند و حال آنکه آیات تحدی آن را به شدت نفی می‌کند.

«قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنَّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» اسراء/۸۸: بگو (ای پیامبر) اگر همه جن و انس متفق شوند که مانند این قرآن را بیاورند، هرگز نمی‌توانند اگر چه پشتیبان یکدیگر باشند.

«وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ...» بقره/۲۳: اگر شما شک دارید در آن چه [قرآنی] را بر بنده خویش نازل کردیم، پس سوره‌ای مثل آن بیاورید...

اگر کسی ادعا کند که کلمه یا کلمات یا آیات و سوری از قرآن کریم حذف شده است، این به هیچ وجه صحیح نیست زیرا این ادعا موجب خلل در اسلوب بدیع قرآن کریم می‌شود و در این صورت نظم اعجاز آمیزی که امکان آوردنش ممکن نبوده، به هم می‌خورد و حال آنکه قرآن کریم در اعلا درجه فصاحت و بلاغت است و اگر کسی احتمال تبدیل کلمه بدهد، معنایش این است که این بدل آورده شده کلام بشر است و بشر توان دارد مثل قرآن کریم بیاورد و حال آنکه این با آیات تحدی سازگاری ندارد.

۴) آیه نفی ریب: «ذالک الكتاب لاریب فیه» بقره/۲: این کتابی است که هیچ گونه ریب در آن نیست. بدیهی است که اگر دست تحریف به قرآن رسیده باشد راه هرگونه تردید و ریب را بر آن می‌گشاید. (انواری، ۱۳۸۴؛ ۵۷). مفسرین و علماء علوم قرآن کریم به آیات دیگری از قبیل آیه رصد(جن، ۳۷)؛ آیه اطفاء نورالهی(توبه، ۳۲)؛ و آیه جمع(قیامت، ۱۷-۹) و ... هم استدلال نموده‌اند با توجه به اختصار به همین مقدار اکتفا می‌شود.

## ۶.۲.۲. روایات

روایاتی که دلالت بر مصونیت قرآن کریم از تحریف دارد، زیاد است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از

**حدیث ثقلین:** «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ان تمسکتُم بهما لن تضلّوا ابدًا»

در این حدیث معتبر که به صورت متواتر در منابع روایی شیعه و اهل سنت نقل شده است، قرآن کریم و عترت پیامبر(ص) به عنوان دو گوهر گران سنگی معرفی شده است. مادامی که امت اسلام به آن دو چنگ زنند، هرگز گمراه نخواهند شد(الوشنوی، ۱۳۷۴: ۱۲۹) اگر قرآن کریم تحریف شده بود، چنگ زدن به آن، نه تنها مانع گمراهی نمی‌شود، بلکه خود گمراه‌کننده خواهد بود به تعبیر علامه طباطبایی دستور دادن به تمسک به کتابی که دست تحریف بدان رسیده بی معنا است(طباطبایی، بی‌تا؛ ۱۰۷/۱۲) جمله تارک فیکم الثقلین به این معنی است که قرآن و عترت به هم وابسته اند جمله لن یفترقا گویایی این مطلب است که امامت و قرآن تا روز قیامت در کنار هم و معصوم از هر قسم خطا و تحریف می‌باشند(جوادی آملی، ۱۳۸۳؛ ۷۵)

امیرالمؤمنین علی(ع) در معنای تمسک به قرآن کریم فرمودند: «قرآن مشعلی فروزان و شفاف بخشی قطعی و سرچشمه نور است کژی در آن راه نیابد تا نیازمند راست کردن گردد و به انحراف نمی‌گراید...»(جعفریان، ۱۳۸۴: ۲۲)

**احادیث عرضه بر کتاب:** سنی و شیعه از پیامبر اعظم(ص) و ائمه اطهار(ع) به تواتر نقل کرده‌اند که مسلمانان باید احادیث وارده را بر کتاب خدا عرضه کنند و تنها روایاتی که مضمون آن‌ها موافق با آیات قرآن کریم بود، بپذیرید و آیه‌ای که مخالف قرآن کریم بود، رد کنید.

«فما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه»(نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۳۲۵/۱۷)

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «کل حدیث لا یوافق کتاب الله فهو زخرف»(عاملی، ۱۴۰۹: ۷۹۸/۱۸) هر روایتی که موافق کتاب خدا نباشد، باطل است.

بنابراین وقتی قرآن کریم ملاک و معیار صحت روایات باشد، لازم‌اش این است که خود قرآن کریم، سالم و از تحریف به دور باشد و الا عرضه روایات بر قرآن کریم و ملاک بودن آن، منطقی و معقول نخواهد بود.

در پایان به نظرات علما و دانشمندان در باره تحریف قرآن کریم اشاره می‌کنیم:

۱. **صدوق:** ما بدین باوریم قرآنی که امروزه در دست ماست همان قرآنی است که بر پیامبر(ص) نازل شده است(صدوق، ۱۳۶۳؛ ۵۹).
۲. **مفید:** در قرآن کریم هیچ‌گونه فزونی رخ نداده همان‌گونه که کاستی نیز در آن پذیرفته نیست(مفید، ۱۴۱۳؛ ۳۰).
۳. **فیض کاشانی:** هر دلیلی که حکایت از تحریف قرآن کریم نماید آنرا باید مردود و فاسد دانست(فیض کاشانی، ۱۳۶۱؛ ۲۶۳/۲).
۴. **محقق اردبیلی:** از آنجای که قرآن کریم بطور متواتر به ما رسیده بر نفی هرگونه فزونی یا کاستی در آن میتوان آگاه شد(محقق اردبیلی، ۱۳۷۹؛ ۷۷/۲).
۵. **طوسی:** سخن گفتن در باره فزونی و کاستی قرآن کریم ناروا است و تمام مسلمانان در عدم فزونی قرآن کریم هم دست اند و شیعیان کاستی قرآن را هم قبول ندارد(طوسی، بی‌تا؛ ۳/۱).

۶. **کاشف الغطاء:** صریح قرآن و اجماع عالمان گویای این حقیقت است که هیچ گونه کاستی در قرآن راه نیافته است (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲؛ ۲/۲۱۸).
۷. **آیت الله خوئی:** دیدگاه تحریف قرآن یک دیدگاه خرافی است هرکسی بر این دیدگاه پافشاری کند یا دچار کاستی در عقل بوده و یا موضوع را بصورت درست بررسی نکرده است (خوئی، ۱۳۹۵ ق؛ ۲۷۸).
۸. **آیت الله بروجردی:** باطل بودن ایده تحریف بسیار روشن است و روایاتی که به گونه ای از کاستی در قرآن خبر می دهد دچار ضعف در سند و نا رسایی در دلالت می باشد. و جای تعجب است از کسانی که بر محفوظ ماندن احادیث پافشاری دارند اما از تحریف قرآن سخن به میان می آورند (صافی گلپایگانی به نقل از بروجردی، بی تا؛ ۵۳).
۹. **امام خمینی (ره):** با توجه به اهمی که مسلمانان به قرآن کریم داشته اند به پوچ بودن دیدگاه تحریف پی می بریم چنانچه محققان بدین باور اند که هیچ گونه تحریفی در قرآن کریم انجام نیافته است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵؛ ۱/۲۴۲).

## نتیجه گیری

تحریف، معانی متعددی دارد که بعضی از آن‌ها مانند تحریف معنوی، تحریف در قرائت، تحریف در نگارش، بر فرضِ درستی آن‌ها، به اصل قرآن کریم و حجّیت آن صدمه وارد نمی‌تواند و هیچ دالّتی بر نقص و عیب قرآن کریم ندارد، اما تحریف به زیاده به اجماع مسلمانان باطل و اصلاً قائلی ندارد.

تحریف مورد نزاع، تحریف به نقیصه است که آیات یا سوره یا کلمه‌ای از قرآن کریم حذف شده باشد، و عمده علمای شیعه و اهل سنت، آن را باطل دانسته و آن چه که سبب توهم تحریف قرآن کریم شده، عبارت‌اند از آمیختگی حدیث پیامبر(ص) با آیات قرآن کریم، آمیختگی نص و تفسیر ، وجود احادیث جعلی، تعدد قرائت‌ها، مصحف حضرت علی(ع)، مصحف حضرت زهرا(س) و عداوت معاندان اسلام و قرآن. برای اثبات عدم تحریف قرآن کریم، از ادله عقلی و نقلی استفاده شده است و از جمله؛ ادله نقلی به آیه ذکر و عزّت و آیات تحدی و نفی ریب، و در قسمت روایات به حدیث ثقلین و احادیث عرضه بر کتاب استدلال شده است و همچنان نظریات علماء مبیین این است که قرآن کریم موجود، همان قرآن کریم نازل شده بر پیامبر اکرم(ص) است و هیچ گونه تحریفی در آن صورت نگرفته است.

## منابع

- 1- قرآن کریم.
- 2- نهج البلاغه، تألیف ابوالحسن محمد شریف الرضی، ۱۴۰۷، قم، دارالحجرة.
- ۳- الوشنوی، قوام الدین، ۱۳۷۴: حدیث الثقلین، قاهره، مجمع تقریب مذاهب اسلامی.
- ۴- الزمخشری، جارالله محمد، ۱۴۰۷، الکشاف، بیروت، دارالکتاب العربی.
- ۵- اردبیلی، احمد، ۱۳۷۹: مجمع الفایده والبرهان، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم.
- ۶- انواری، جعفر، ۱۳۶۴: انگاره تحریف قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- ۷- جعفریان. رسول، ۱۳۸۴: افسانه تحریف قرآن، تهران، چاپ و نشر بین الملل
- ۸- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۳: نزاهت قرآن کریم از تحریف، قم، مرکز نشر اسراء.
- ۹- خمینی، روح الله، ۱۳۸۵: انوار الهدایه، مؤسسه نشر آثار امام.
- ۱۰- خوئی، ابوالقاسم، ۱۳۹۵ق؛ البیان، قم، المطبعة العلمیه، چاپ سوم.
- ۱۱- ری شهری، محمد مهدی، ۱۳۷۷: میزان الحکمه، تهران، دارالحديث.
- ۱۲- صدوق، محمد، ۱۳۶۳: الاعتقادات، قم، الرضی.
- ۱۳- صافی گلپایگانی، لطف الله، بی تا؛ مع الخطیب فی خطوطه العربیه، قم، دارالقرآن، چاپ چهارم.
- ۱۴- طباطبایی، سید محمدحسین، بی تا: تفسیر المیزان، قم، منشورات جامعه المدرّسین.
- ۱۵- طوسی، محمد، بی تا؛ التبیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۶- طاهری خرم آبادی، حسن؛ ۱۳۸۵، عدم تحریف قرآن، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول.
- ۱۷- عاملی، حر، ۱۴۰۹: وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت.
- ۱۸- فیض کاشانی، محسن، ۱۳۶۱: المحجّه البیضاء، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۹- فیومی، احمد، ۱۴۱۴: مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، مؤسسه دارالهجرة.
- ۲۰- کاشف الغطاء، جعفر، ۱۴۲۲: کشف الغطاء- کتاب الصلاه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۲۱- مفید، محمد، 1413؛ اوائل المقالات، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۲- مکارم شیرازی. ناصر، ۱۳۸۴: تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب السلامی.
- ۲۳- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴: بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا.
- ۲۴- معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۳: صیانه القرآن کریم من التحریف، قم، مؤسسه النشر الاسلامی
- ۲۵- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸: قرآن شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- ۲۶- نوری، طبرسی، میرزا حسین، ۱۴۰۸: مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت.
- ۲۷- \_\_\_\_\_، ۱۲۹۸: فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، بی جا، بی نا.